

#### دریچه

#### عماد مغنیه

#### فرمانده بزرگ جنگ ۳۳روزه

■ «عماد که بود؟ جوانی زیبارو و محبوب که ابتدا وقتی نگاه می کرد، با چشم نیمه‌باز می‌نگریست، سپس چشم‌ها و صورتش پر از مهربانی می‌شد؛ بسیار بشاش، شادمان و انرژی‌بخش بود. تواضع و شوخ‌طبعی وی عاملی بود که کمتر کسی بتواند توانایی‌های او را به سادگی بشناسد. همیشه مهیا و آماده بود. مخفی ماندن از چشم دشمن با استفاده از روش‌های خاص، از ویژگی‌های دیگر او بود. به‌گونه‌ای که مهم‌ترین سازمان‌های اطلاعاتی جهان، ۲۵ سال نتوانستند او را بیابند. او که عماد مقاومت بود، با چشمی خونبار و پیشانی شکسته به رضوان حق شتافت.» (پایگاه اطلاع‌رسانی عماد مغنیه)

عماد فایز مغنیه (۷ دسامبر ۱۹۶۲ – ۱۲ فوریه ۲۰۰۸) معروف به «حاج رضوان» از فرماندهان نظامی حزب‌الله لبنان بود که در ۲۳ بهمن ۱۳۸۶ (۱۲ فوریه ۲۰۰۸) در انفجاری در دمشق ترور شد. او در فهرست افراد تحت تعقیب اتحادیه اروپا و آمریکا قرار داشت. سازمان سیا ۲۵ میلیون دلار پاداش برای اطلاعاتی که منجر به دستگیری مغنیه شود، در نظر گرفته بود. مغنیه در روستای طبر دبا در شهر صور در جنوب لبنان به‌دنیا آمد. پدرش شیخ جواد مغنیه از علمای برجسته شیعه لبنان بود. «جهاد» و «فواد» دو برادر وی بعدها در درگیری‌های لبنان و اسرائیل کشته شدند. خانواده‌اش پس از مدتی از صور به ضاحیه جنوبی بیروت مهاجرت کردند و در آنجا عماد تحصیلات ابتدایی و دبیرستان خود را گذراند و پس از آن وارد دانشگاه آمریکایی بیروت شد. او در آغاز دهه ۸۰ میلادی به «بیروی ۱۷» شاخه نظامی جنبش آزادی‌بخش فلسطین پیوست؛ بیرویی که مسوولیتش حفاظت از رهبران فلسطینی مانند ابوعمار، ابوجهاد و ابودیاد بود. با تاسیس جنبش امل به رهبری امام موسی صدر و دکتر مصطفی چمران به این گروه پیوست و سخت شیفته چمران بود به طوری که خود را شاگرد او معرفی می‌کرد. با جاداشدن گروهی موسوم به حزب‌الله از جنبش امل و انتقال سید حسن نصرالله به این گروه، مغنیه نیز به حزب‌الله پیوست و پس از اجرای موفقیت‌آمیز چند عملیات به عنوان فرمانده گارد حفاظت مقامات بلندپایه این حزب منصوب و در نهایت به عنوان فرمانده ارشد نظامی حزب‌الله انتخاب شد.

آمریکا او را متهم به بمب‌گذاری در سفارت آمریکا و ستاد مرکزی تفتنگاران آمریکایی در بیروت می‌کند که طی آن بیش از ۵۰ نفر کشته شدند. اسرائیل نیز او را مسوول بمب‌گذاری سفارت اسرائیل در آرژانتین در سال ۱۹۹۲ و مرکز همیار یهودیان در بونوس آیرس در سال ۱۹۹۴ می‌داند.

اسرائیل حتی مدعی بود عملیات ربودن دو نفر از نظامیان اسرائیلی در تابستان ۲۰۰۶ که به آغاز جنگ ۳۳روزه انجامید از سوی عماد مغنیه هدایت شده است. گفته می‌شود در تمام طول این جنگ، مغنیه فرماندهی ضحمله‌های حزب‌الله را برعهده داشت که توانست با موشک باران شهرهای اسرائیلی برای نخستین بار، میزان توان نظامی و قدرت دفاعی این حزب را به نمایش بگذارد.

سرانجام در ساعت ۲۲:۳۰ روز ۱۲ فوریه ۲۰۰۸ در پی انفجاری که در منطقه «کفر سوسه» واقع در خیابان «الحدیقه» دمشق رخ داد، عماد مغنیه کشته شد. گرچه سیدحسن نصرالله از همان ابتدا اسرائیل را مسوول ترور مغنیه اعلام کرد و وعده داد که با افتخار انتقام او گرفته شود اما مقامات اسرائیلی تا مدت‌ها سکوت پیشه کرده بودند و مسوولیت این ترور را برعهده نمی‌گرفتند. چند ماه پیش در نهایت، عوزی اراد رییس سابق شورای امنیت ملی اسرائیل اعتراف کرد که اسرائیل عملیات ترور «عماد مغنیه» فرمانده نظامی حزب‌الله لبنان را بر عهده داشته است.

روزنامه دیپمات آحرئون ماجرای ترور مغنیه را به این صورت شرح داد که: «آغاز طرح ترور مغنیه با بازداشت و دستگیری یکی از مسوولان تشکیلات امنیتی خارجی حزب‌الله در عراق به نام موسی دقدوق، در نزدیکی یکی از مراکز شیعه در کربلا توسط نظامیان آمریکایی آغاز شد. وی از افراد نزدیک به مغنیه بود. نیروهای آمریکایی با تخلیه اطلاعات دقدوق موفق می‌شوند اطلاعات مهمی را درباره مغنیه به دست آورده و آنها را در اختیار اسرائیلی‌ها قرار دهند.

به این ترتیب آنها یقین پیدا کردند که مغنیه به مناسبت ۲۲ بهمن سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران به سوریه آمده و در مراسم سفارت ایران در دمشق شرکت خواهد کرد. به این ترتیب از قبل برنامه‌ریزی کرده و سرانجام موفق شدند طی عملیات ویژه‌ای صندلی خودرو مغنیه را با یک صندلی مملو از بمب عوض کنند. سپس از طریق کنترل از راه دور خودرو مغنیه را به محض سوار شدن او منفجر کردند. البته روایت‌های دیگری نیز هست که گفته می‌شود مأموران موساد از طریق منفجر کردن یک خودرو دیگر که در آن خیابان قرار داشت موفق به ترور مغنیه شدند.



سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی

سالگرد نبرد حزب‌الله و رژیم صهیونیستی



عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

عکس‌نگار خیابان کوثری، شرق

هزینه‌های بالایی بود. هر چند که انگشت اتهام از همان ابتدا در این واقعه به سوی دمشق گرفته شد و به لحاظ فشارهای بین‌المللی و هیجانات درونی جامعه لبنان نیروهای نظامی سوریه که بر اساس پیمان «طائف» از سال ۱۹۸۲ وظیفه پاسداری از صلح در لبنان را به عهده داشتند مجبور به خروج شدند اما تبعات درونی آن بیش از همه بر حزب‌الله سنگینی می‌کرد. جنبشی که به نماد مقاومت تبدیل شده بود در این پروسه زمانی بعد از ترور حریری در یک انزوا و تحت فشار شدید قرار داشت و خروج از این بن‌بست یا به تعبیر رهبران حزب‌الله بازگشت به وظیفه میهنی جهت بازپس‌گیری مناطق اشغالی و بازگرداندن اسیران لبنانی به وطن حرکت تهاجمی را برای آنان در اولویت قرار می‌داد. هرچند که «سیدحسن نصرالله» بعداز هجوم‌های بی‌امان ارتش اسرائیل به مراکز حزب‌الله، مناطق غیرنظامی و زیرساخت‌های لبنان ضمن اذعان به پیروزی بر این نکته اشاره داشت که اگر می‌دانستیم که صهیونیست‌ها اینچنین وحشیانه‌عکس‌العمل نشان می‌دهند شاید طور دیگری عمل می‌کردیم اما اصل انگیزه اقدام همچنان اعتبار خود را در

نزد تمام رهبران مقاومت لبنان حفظ کرده‌است. مقاومت نیروهای حزب‌الله، تلفات سنگین ارتش اسرائیل که در تاریخ این رژیم بی‌سابقه بود، عدم دستیابی به اهداف وعده داده شده رهبران تل‌آویو و مهم‌تر از همه قبول آتش‌بس بدون پیروزی و مبادله اسرا به خصوص «سمیر قطار» قدیمی‌ترین زندانی سیاسی لبنان توسط اسرائیل ادعای حزب‌الله در خصوص پیروزی را اثبات می‌کند. در

جنگ ۳۳ روزه هرچند حزب‌الله و لبنان متحمل خساراتی شدند اما تابوی قدرقدرتی ارتش اسرائیل در هم شکست. از طرف دیگر تحولات این جنگ نشان داد که ارتش اسرائیل در فتح سرزمینی و مواجهه با مقاومت غیرمتعارف به شدت آسیب‌پذیر بوده و از طرف دیگر حزب‌الله در افکار عمومی اعراب بار دیگر به عنوان نماد مقاومت تثبیت شده و فشارهای موجود بر این گروه بعد از ترور حریری به حاشیه رانده شد. چنانچه این نبرد سرنوشت سیاسی «فواد سینوره» نخست‌وزیر مخالف حزب‌الله را به شدت تضعیف کرده و در کوتاه‌مدت جناح ۸مارس به رهبری حزب‌الله توانست اکثریت پارلمانی را از آن خود کرده و دولت ائتلافی «نجیب میقاتی» را بر کشور حاکم کند.

حملات ارتش اسرائیل از ۱۲ ژوئیه تا ۱۴ اوت برای اولین بار به در بسته خود که به پایان با قبول قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد حتی انتقاد افکار عمومی و رسانه‌های اسرائیلی را در خصوص وعده‌های فراموش شده به همراه

**۲۴ جولای ۲۰۰۶ (۲ مرداد ۱۳۸۵):** حمله نیروهای حزب‌الله از سه سو به نیروهای نظامی رژیم اسرائیل، انهدام چندین هلیکوپتر و تانک ارتش اسرائیل توسط نیروهای حزب‌الله **۲۷ جولای ۲۰۰۶ (۵ مرداد ۱۳۸۵):** بمباران انبار پتروشیمی اسرائیل در کریات شومونه و الجلیل دستگیری حدود ۴۰ نفر در بیروت به اتهام همکاری با دشمن **۲۸ جولای ۲۰۰۶ (۶ مرداد ۱۳۸۵):** ادامه حملات موشکی حزب‌الله به تأسیسات نظامی رژیم اسرائیل و شهرک‌های اشغال شده **اول آگوست ۲۰۰۶ (۱۰ مرداد ۱۳۸۵):** مورد هدف قرار گرفتن یک پایگاه نظامی رژیم اسرائیل توسط نیروهای حزب‌الله نفوذ حزب‌الله به شبکه‌های ارتباطی ارتش دشمن. **شلیک ۳۰۰** موشک به شهرک‌های اشغال شده **۳ آگوست ۲۰۰۶ (۱۲ مرداد ۱۳۸۵):** حمله هوایی نیروهای اسرائیل به یک منطقه مسکونی در نزدیکی مرز سوریه و لبنان و کشته شدن چندین غیرنظامی

**۴ و ۵ آگوست ۲۰۰۶ (۱۳ و ۱۴ مرداد ۱۳۸۵):** پرتاب

تجاوزگر مجبور به تخلیه جنوب لبنان شدند. این پیروزی تاریخی برای حزب‌الله بر وجهه ملی آنان به شدت افزود و آنان را به نماد مقاومت لبنان تبدیل کرد. همچنین این گروه اسلام‌گرای خود را با ملی‌گرایی تلفیق کرد که تساهل و تسامح در حوزه داخلی با همه آن رقابتی که با مسیحیان مارونی و سنی‌های مسلمان داشتند به آنان کمک کرد تا دست به یارگیری در طیف‌های متنوع از میان این رقبیان زده و یک ائتلاف بزرگ و تقریباً هموزن را در ساخت چندپاره لبنان شکل دهند. همین خصوصیات متناقض در حوزه داخلی و خارجی موجب شد تا در سال ۲۰۰۶ میلادی بار دیگر حزب‌الله لبنان و اسرائیل در یک مصاف نابرابر قرار گرفته و خلاف تصور موجود در جنگ موسوم به ۳۳روزه بعد از تحمل تلفات زیاد انسانی و هزینه‌های بزرگ مادی، دشمن خود را مجبور به قبول آتش بس و سپس مبادله اسرا کنند.

جنگ ۳۳روزه لبنان از نوع جنگ‌هایی تلقی می‌شود که مرز پیروزی و شکست نه بر اساس تعاریف مدرن بلکه بیشتر به لحاظ سمبلیک، آرمانگرایانه و مقاومت شاه‌همیشه قدر کوچک در مقابل قدرت بزرگ و شکستن تابوهای پیشین تعیین می‌شود. در این بین انگیزه اولیه، اشتباه محاسبه، میزان تلفات و خسارات، تأثیر نبرد بیرونی بر مولفه‌های قدرت درونی و تثبیت اترناتیو قدرت در حوزه منطقه نقش بارز و اساسی بازی می‌کند. هر چند دو طرف در طول این جنگ برای خود اهدافی را تعیین کرده بودند و بر دستیابی به آن پای می‌فشردند اما واقعیت در این است که نوع جنگ‌هایی از این قبیل فاقد

خروجی و نتیجه از پیش تعیین شده‌است. در این جنگ که از ۱۲ ژوئیه آغاز و تا ۱۴ اوت ۲۰۰۶ ادامه یافت، هر دو طرف ادعای پیروزی داشته‌اند اما در یک برآورد منطقی از صحنه نبرد و تبعات بعدی آن می‌توان حزب‌الله لبنان را به عنوان نیروی کوچک به واسطه مقاومت و موفقیت در این نکته که نیروی بزرگ را از اهداف اعلان شده ناکام گذاشت، پیروز این منازعه به حساب آورد. باید در ابتدا انگیزه حزب‌الله را برای رخنه به پشت سیم‌های خاردار تعبیه شده توسط اسرائیل در «کشتارهای شعبا» که بخشی از سرزمین‌های اشغالی لبنان تلقی می‌شود و کشتن هشت سرباز و به گروگان در آوردن دو نظامی دیگر در فضای درونی لبنان و فضای بیرونی منطقه در ظرف زمانی و مکانی خاص خود به درستی درک کرد. حزب‌الله بعد از قضیه ترور «رفیق حریری» نخست‌وزیر کشور و مورد حمایت جناح محافظه‌کار عرب به رهبری عربستان در سال ۲۰۰۵ در وضعیت ویژه و به شدت تدافعی قرار گرفته بود که در معادلات قدرت درونی و بیرونی مستلزم تحمل

## ۳۳ روز نبرد

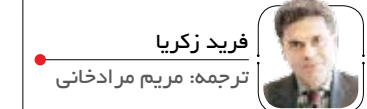
شده از جمله حیفا و تهدید به بمباران کارخانه پتروشیمی رژیم اسرائیل از سوی حزب‌الله **۱۷ جولای ۲۰۰۶ (۲۶ تیر ۱۳۸۵):** درخواست اتحادیه اروپا مبنی بر توقف ناآرامی‌ها در منطقه. کشته شدن ۹ اسرائیلی و زخمی شدن ۹۷ نفر

**۱۸ جولای ۲۰۰۶ (۲۷ تیر ۱۳۸۵):** خروج اتباع خارجی از لبنان. آغاز نبرد رسانه‌ای میان دو جبهه. استفاده از موشک‌های ضدهوایی توسط حزب‌الله برای نخستین‌بار و گلوله‌باران شهرهای ناصره، حیفا، نهاریا و چندین شهر شمالی دیگر **۲۱ جولای ۲۰۰۶ (۳۰ تیر ۱۳۸۵):** استقرار تانک‌های ارتش رژیم اسرائیل در مرز لبنان و هشدار به شهروندان برای ترک منطقه. سقوط چندین هلیکوپتر نظامی رژیم اسرائیل در خاک لبنان

**۲۲ جولای ۲۰۰۶ (۳۱ تیر ۱۳۸۵):** انهدام سه تانک ارتش اسرائیل و عقب‌نشینی نیروهای نظامی رژیم اسرائیل از نواحی مرزی

#### روزنه

#### شهرهای ورشکسته



فرید زکریا

ترجمه: مریم مرادخانی

■ هفته پیش، وقتی خبر اعلام ورشکستگی شهر «سن‌پترزادینیو» کالیفرنیا را شنیدم، سخت متاثر شدم. دو شهر «ماموت لیکز» و «استاکتون» در همین ایالت نیز در شرایط مشابهی به سر می‌برند. پیش‌تر، شهرهای هرسپورگ در ایالات پنسیلوانیا، جفرسون کانتی در ایالات آلاباما، سنترال فالز در رود آیلند و چندین شهر دیگر نیز اعلام ورشکستگی کرده بودند.

به‌راستی در آمریکا چه خبر است؟ چندان از انتظار دور نیست اگر هر از گاهی خبر ورشکستگی یک کمپانی را بشنویم، اما ورشکستگی شهرها دیگر چرا؟

در واقع، این دو، تفاوت چندانی با هم ندارند. بنا به مقررات بخش یازدهم قانون ورشکستگی آمریکا، در صورت ورشکستگی، شرکت‌های آمریکایی مجاز به سازماندهی دوباره شرکت، کوچک‌سازی آن، تغییر در ترکیب اعضا یا اخراج آنها هستند. اما این ماده همچنین به آنها اجازه تسویه‌حساب و انحلال شرکت را نیز می‌دهد. انحلال یک شرکت را می‌توان پذیرفت اما آیا می‌توان یک شهر را منحل کرد؟ تصور انحلال یک شهر نه‌تنها برخلاف مقررات قانون اساسی، که از منطقی نیز به دور است. بنابراین، در این مورد خاص، چاره‌ای جز رجوع به ماده ۱۹ قانون نداریم؛ ماده‌ای که مربوط به شهرهای بزرگ و کوچک، بخش‌ها و دهکده‌ها، حوزه‌های مالیاتی و خدمات عمومی است. از زمان ارایه بخش ۱۱ تانکسون، حدود ۶۲۱ پرونده ورشکستگی وابسته به شهرداری باایگانی شده‌اند که اغلب آنها جزئی و قابل تفسیر بوده‌اند. اما با چالش عمیق‌تر و به‌مراتب پیچیده‌تری مواجهیم

وقتی که یک شهر به طور کامل اعلام ورشکستگی می‌کند چرا که به دنبال اعلام ورشکستگی یک شهر، خدمت و مشاغل بخش عمومی، اعم از ادارات آتش‌نشانی و پلیس تحت تأثیر قرار خواهند گرفت. طبیعتاً، ما امروز ورشکستگی را امری ناخوشایند می‌پنداریم. اعلام ورشکستگی شرم‌آور است، کسب و کار را به‌شدت تحت تأثیر خود قرار داده و پس از آنکه رخ می‌دهد، بازگشت به شرایط پیش از آن دشوار است. ورشکستگی میان ما و ایدئال‌هایمان فاصله می‌اندازد اما هیچ‌کدام از اینها به آن معنا نیست که برایمان منفعتی به دنبال ندارد.

برای نمونه، سن‌پترزارد را در نظر بگیرید. این شهر با مبلغی حدود ۴۵میلیون دلار کسری بودجه مواجه بود. اما بستنکاران این شهر که اغلب از کارمندان و بازنشستگان بودند، تمایلی برای مساعدت از خود نشان نمی‌دادند. عاقلانه‌ترین راه‌حلی که اتحادیه‌ها بر سر آن توافق کردند و آن را امتیاز انحصاری نامیدند، اعطای حق بازنشستگی به کارمندان تازه استخدام‌شده بخش امنیت عمومی با بیش از ۹۰ درصد دستمزد در سن ۵۵سالگی به جای ۵۸سالگی بود.

این اما برای بخش نهم قانون ورشکستگی صدق نمی‌کند. تمامی احزاب، به همراه یک قاضی مستقل، برای رسیدن به توافقی هرچند درناتک گرد هم می‌ایند و ما ناچاریم که بدون هیچ‌گونه معطلی، نمتیاز به سبط اتحادیه‌ها که در سطوح محلی و ایالتی تصمیم گرفته و اقدام کنیم. با نگاهی عمیق‌تر به ورشکستگی‌هایی که این روزها هر گوشه و کناری از آنها خبری می‌شنویم، درمی‌یابیم که علت وقوع آنها، کاهش میزان مالیات یا هزینه‌های گراف خدمات عمومی نیست. علت این ورشکستگی‌ها را باید در پرداخت مستمری بازنشستگان جست‌وجو کرد. امروز، هزینه‌های مربوط به بازنشستگی در کالیفرنیا، در مقایسه با سال ۱۹۹۹، حدود ۲۰ بار افزایش یافته است. شرایط در سایر نقاط ایالات متحده نیز چندان رضایت‌بخش نیست. بر اساس مطالعه اخیر مرکز تحقیقات «پیو»، اختلاف میان میزان دارایی‌های دولتی و تعهدات آنها در هزینه کردن برای عواید بازنشستگی چیزی حدود ۳۸/۱ هزارمیلیارد دلار است. تنها در سال ۲۰۱۰، این رقم حدود ۹ درصد افزایش داشته است و به نظر می‌رسد که تا زمانی که قوانین مربوط به این تعهدات مورد بررسی مجدد قرار نگیرد، این روند ادامه داشته باشد.

واقعیت این است که آمریکا، با رشدی که برای پرداخت بدهی‌های گذشته‌اش، قربانی می‌کند. شهرها و ایالت‌ها برای آنکه از پس مخارج بازنشستگی برآیند، ناچارند خدمات کمتری ارائه کنند و این مشکل بیکاری را نیز دوچندان خواهد کرد. در حال حاضر، تعداد افراد مشغول به کار حدود ۴۴۵ هزار نفر کمتر از همین تعداد در سال ۲۰۰۷ است. حتی اگر تعداد معلمان را از این فهرست قلم بزنیم، باز هم این رقم در مقایسه با پنج سال پیش، با کاهش نزدیک به ۳۳۱ هزار نفر مواجه خواهد شد. طی دهه‌های اخیر تا به امروز، حکومت‌های محلی، برای اثبات حمایت خود از بازنشستگان، مزایای بازنشستگی را افزایش داده‌اند. این هزینه‌ها، سال‌ها بعد، زمانی که مقامات اعطاکننده این مزایا خودشان به‌راحتی و بدون هیچ احساس خطری بازنشسته شوند، روی مبلغ بوجه تأثیر خواهد گذاشت.

به هر حال، گرچه ورشکستگی به باور من هرگز پدیده خوشایندی نیست اما، مکانیسمی است که ما را وادار به اقدام فوری و تجدیدنظر در تصویب مقرراتی می‌کند که باعث ایجاد همین ورشکستگی‌ها شده‌اند.

منبع:سی‌ان‌ان